



١٠٥٧٩١



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه روانشناسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روانشناسی کودکان استثنایی

مقایسه اثربخشی روشهای چند حسی فرنالد و اورتون بر عملکرد خواندن

دانش آموزان نارساخوان پسر پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان

کتابخانه تخصصی روانشناسی
دانشگاه اصفهان

استاد راهنما:

دکتر محمد باقر کجیاف

استادان مشاور:

دکتر حسین مولوی

دکتر شعله امیری

پژوهشگر:

مریم زینی وند

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

تیر ماه ۱۳۸۷

۱۰۵۶۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



شبهه نگارش پایان نامه
رعایت شده است
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه روانشناسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی روانشناسی کودکان استثنایی خانم

مریم زینی وند

تحت عنوان

مقایسه اثربخشی روشهای چند حسی فرنالد و اورتون بر عملکرد خواندن

دانش آموزان نارساخوان پسر پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان

به تصویب نهایی رسید.

در تاریخ ۱۳۷۸/۴/۱۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه $\frac{2}{3}$

۱- استاد راهنمای پایان نامه

دکتر محمد باقر کجباف

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

۲- استادان مشاور پایان نامه

دکتر حسین مولوی

با مرتبه ی علمی استاد

امضاء

دکتر شعله امیری

با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه

دکتر مختار ملک پور

با مرتبه ی علمی استاد

امضاء

۵- استاد داور خارج از گروه

دکتر سالار فرامرزی

با مرتبه ی علمی استادیار

امضاء

امضای مدیر گروه روانشناسی

تقدیر و تشکر

استاد ارجمند جناب آقای دکتر کجیاف

سپاس و امتنان مرا پذیرا باشید که همچون خورشید فروزان بر سپهر علم و دانش
می درخشید و با درایت و بصیرت فراوان هر آنچه ابهام در مسیر این پژوهش بود
را بر من روشن نمودید.

اساتید گرامی جناب آقای دکتر مولوی و خانم دکتر امیری

از شما سروران گرامی نیز کمال تشکر را دارم که با ارشاد و راهنماییهای ارزنده مرا در تحقق این امر
یاری نمودید.

از درگاه ایزد منان! اول معلم هستی! موفقیت و شادکامی شما عزیزان را خواستارم.

تقدیم به:

همسر مهربان و فداکارم

پدر و مادر مهربانم

دختر کوچکم دنیا

خواهر و برادران خوبم

و تمامی آنان که قلبم سرشار از مهرشان است.

چکیده

موضوع این پژوهش مقایسه اثر بخشی روشهای چندحسی فرنالده و اورتون بر عملکرد خواندن دانش آموزان نارساخوان پسر پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان بود. روش پژوهش آزمایشی و از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر نارساخوانی بود که در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ در پایه سوم مقطع ابتدایی در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بودند؛ نمونه مورد نظر پژوهش، ۴۵ نفر از ۱۲۶ نفر دانش آموزان نارساخوان بودند که شیوه انتخاب آنها به این صورت بود که ابتدا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین نواحی پنج گانه اداره آموزش و پرورش اصفهان، ناحیه ۴ انتخاب و از بین ۳۷۵۸ دانش آموز این ناحیه ۱۲۶ نفر دانش آموز نارساخوان شناسایی و ۴۵ نفر از آنها انتخاب و با گمارش تصادفی، پانزده دانش آموز در گروه آزمایش فرنالده، پانزده دانش آموز در گروه آزمایش اورتون و پانزده دانش آموز در گروه گواه قرار داده شدند. سپس گروه‌های آزمایشی در طی ۱۵ جلسه تحت آموزش به روشهای فرنالده و اورتون بصورت انفرادی قرار گرفتند، در حالی که گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای را دریافت نکردند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، علاوه بر تشخیص معلم، آزمون تشخیصی خواندن (فرم اکوال)، آزمون هوش کتل و پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی بود که آزمون تشخیصی خواندن در مراحل پیش‌آزمون، پس آزمون مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های اصلی به دست آمده از روش آماری تحلیل کوواریانس نشان داد که بین میانگین نمرات پس آزمون خواندن گروه‌های آزمایش و گواه، تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$) و میانگین نمرات پس آزمون گروه فرنالده از بقیه گروهها بیشتر بود. علاوه بر این نتایج مقایسه‌های زوجی نشان داد که بین میانگین نمرات پس آزمون خواندن دو گروه اورتون و فرنالده نیز تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). در مجموع یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که روش چند حسی فرنالده در بهبود عملکرد خواندن دانش آموزان نارساخوان مؤثر تر بوده است.

کلید واژه‌ها: عملکردخواندن، نارساخوانی، روش چند حسی فرنالده، روش چند حسی اورتون.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات تحقیق
۱-۱-۱	مقدمه.....
۳	۱-۲ شرح و بیان مسأله.....
۶	۱-۳ ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۷	۱-۴ اهداف تحقیق.....
۷	۱-۴-۱ هدف اصلی.....
۷	۱-۴-۲ اهداف فرعی.....
۸	۱-۵ فرضیه های تحقیق.....
۸	۱-۵-۱ فرضیه اصلی.....
۸	۱-۵-۲ فرضیه های فرعی.....
۸	۱-۶ تعاریف اصطلاحات و مفاهیم.....
۷	۱-۶-۱ تعاریف مفهومی.....
۹	۱-۶-۲ تعاریف عملیاتی.....
	فصل دوم: مروری بر پیشینه پژوهش
۱۰	۱-۲ مقدمه.....
۱۲	۲-۲ پیشینه نظری ناتوانی های یادگیری.....
۱۲	۲-۲-۱ تعریف ناتوانی های یادگیری.....
۱۳	۲-۲-۲ شیوع ناتوانی های یادگیری.....
۱۴	۲-۲-۳ تفاوت های جنسیتی.....
۱۵	۲-۲-۴ علل ناتوانی های یادگیری.....
۱۶	۲-۲-۵ انواع ناتوانی های یادگیری.....
۱۷	۲-۲-۵-۱ ناتوانی های یادگیری تحولی.....
۱۸	۲-۲-۵-۲ ناتوانی های یادگیری تحصیلی.....
۱۸	۲-۲-۶ ملاک های اصلی برای تشخیص کودکان دچار ناتوانی های یادگیری.....

۱۹ ۱-۶-۲-۲ ملاک ناهمخوانی
۱۹ ۲-۶-۲-۲ ملاک استثناء
۲۰ ۳-۶-۲-۲ ملاک آموزش و پرورش استثنایی
۲۱ ۷-۲-۲ رویکردهای ناتوانی های یادگیری
۲۱ ۱-۷-۲-۲ رویکرد روانی تربیتی
۲۱ ۲-۷-۲-۲ رویکرد رفتاری
۲۱ ۳-۷-۲-۲ رویکرد پزشکی
۲۱ ۴-۷-۲-۲ رویکرد ادراکی حرکتی
۲۲ ۵-۷-۲-۲ رویکرد زبان شناختی
۲۲ ۶-۷-۲-۲ رویکرد روانشناختی عصبی
۲۲ ۷-۷-۲-۲ رویکرد شناختی
۲۲ ۳-۲ پیشینه نظری نارساخوانی
۲۲ ۱-۳-۲ تعریف نارساخوانی
۲۴ ۲-۳-۲ شیوع نارساخوانی
۲۵ ۳-۳-۲ خصوصیات بالینی
۲۶ ۴-۳-۲ آسیب شناسی و بررسی آزمایشگاهی
۲۶ ۵-۳-۲ تشخیص افتراقی
۲۷ ۶-۳-۲ نارساخوانی در زبانهای مختلف
۲۸ ۷-۳-۲ سیر و پیش آگهی
۲۸ ۸-۳-۲ اختلالهای همراه با نارساخوانی
۲۹ ۹-۳-۲ علل نارساخوانی
۲۹ ۱-۹-۳-۲ عوامل ژنتیکی
۳۱ ۲-۹-۳-۲ نظریه عملکرد مغز
۳۳ ۳-۹-۳-۲ نظریه برتری جانبی
۳۳ ۴-۹-۳-۲ یافته های اندام شناسی
۳۳ ۵-۹-۳-۲ نقایص حافظه

۳۴	۱۰-۳-۲ زبان و نارساخوانی.....
۳۴	۱۱-۳-۲ نقایص ادراکی و نارساخوانی.....
۳۵	۱۲-۳-۲ برنامه آموزش و درمان نارساخوانی.....
۳۶	۱۳-۳-۲ تاریخچه رویکردهای ترمیمی.....
۳۷	۱۴-۳-۲ رویکردهای ترمیمی برای ناتوانی های یادگیری.....
۳۸	۱-۱۴-۳-۲ رویکردهای ترمیمی برای رمز گردانی.....
۳۸	۲-۱۴-۳-۲ روش چند حسی فرنالده.....
۳۹	۳-۱۴-۳-۲ روش چند حسی اورتون.....
۳۹	۴-۲ پیشینه پژوهشی.....
۳۹	۱-۴-۲ تحقیقات انجام شده در خارج از کشور.....
۴۳	۲-۴-۲ تحقیقات انجام شده در ایران.....
۴۶	۵-۲ خلاصه فصل.....

فصل سوم: روش تحقیق

۴۷	۱-۳ مقدمه.....
۴۷	۲-۳ طرح کلی پژوهش.....
۴۸	۳-۳ متغیرهای پژوهش.....
۴۹	۴-۳ جامعه آماری.....
۴۹	۵-۳ حجم نمونه و روش نمونه گیری.....
۴۹	۶-۳ ابزار پژوهش.....
۴۹	۱-۶-۳ آزمون هوشی آربی کتل.....
۵۰	۲-۶-۳ آزمون خواندن.....
۵۰	۳-۶-۳ پرسشنامه جمعیت شناختی.....
۵۰	۷-۳ شیوه اجرای پژوهش.....
۵۱	۱-۷-۳ زمان و نحوه دریافت آموزش به روش اورتون.....
۵۳	۲-۷-۳ زمان و نحوه دریافت آموزش به روش فرنالده.....
۵۵	۸-۳ روش تحلیل داده ها.....
۵۵	۹-۳ جمع بندی و نتیجه گیری.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۱-۴	مقدمه.....	۵۶
۲-۴	تحلیل توصیفی داده ها بر اساس ویژگیهای دموگرافیک.....	۵۷
۳-۴	تحلیل استنباطی داده ها.....	۶۲
۴-۴	جمع بندی و نتیجه گیری	۶۶

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱-۵	مقدمه.....	۶۷
۲-۵	تبیین یافته های پژوهش	۶۸
۳-۵	جمع بندی و نتیجه گیری.....	۷۲
۷۳	محدودیت های پژوهش.....	۷۳
۷۳	پیشنهادات.....	۷۳
۷۵	پیوست ها.....	۷۵
۹۰	منابع و مأخذ.....	۹۰

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۴۰.....	جدول ۱-۲ نتایج توانایی خواندن ۵ کشور افریقایی.....
۴۷.....	جدول ۱-۳ طرح کلی پژوهش.....
۴۹.....	جدول ۲-۳ حجم نمونه.....
۵۷.....	جدول ۱-۴ فراوانی و درصد فراوانی گروههای مورد مطالعه بر اساس میزان تحصیلات پدر.....
۵۸.....	جدول ۲-۴ فراوانی و درصد فراوانی گروههای مورد مطالعه بر اساس میزان تحصیلات مادر.....
۵۹.....	جدول ۳-۴ فراوانی و درصد فراوانی گروههای مورد مطالعه بر اساس شغل پدر.....
۶۰.....	جدول ۴-۴ فراوانی و درصد فراوانی گروههای مورد مطالعه بر اساس میزان در آمد خانواده.....
۶۱.....	جدول ۴-۵ نتایج آزمون شاپیرو ویلک.....
۶۲.....	جدول ۴-۶ ضرایب همبستگی بین متغیر ها.....
۶۳.....	جدول ۴-۷ نتایج آزمون تساوی واریانس لوین.....
.....	جدول ۴-۸ تحلیل کوازینانس تأثیر روشهای آموزشی برنمرات پس آزمون خواندن پس از کنترل متغیر پس آزمون.....
۶۳.....
۶۴.....	جدول ۴-۹ میانگین و انحراف استاندارد نمرات پس آزمون سه گروه.....
۶۵.....	جدول ۴-۱۰ مقایسه های زوجی میانگینهای نمرات پس آزمون خواندن گروه فرنالد باگروه کنترل.....
۶۵.....	جدول ۴-۱۱ مقایسه های زوجی میانگینهای نمرات پس آزمون خواندن گروه اورتون باگروه کنترل.....
۶۶.....	جدول ۴-۱۲ مقایسه های زوجی میانگینهای نمرات پس آزمون خواندن گروه اورتون باگروه فرنالد.....

فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۶۱.....	شکل ۱-۴ منحنی توزیع فراوانی نمرات پیش آزمون خواندن
۶۴.....	شکل ۲-۴ مقایسه نمرات پس آزمون خواندن گروهها

فهرست پیوست ها

صفحه	عنوان
۷۵.....	پیوست ۱ آزمون خواندن.....
۸۰.....	پیوست ۲ آزمون هوشی آربی کتل.....
۸۹.....	پیوست ۳ پرسشنامه جمعیت شناختی.....

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه

یکی از مهمترین ملاکهای نظام آموزش و پرورش پیشرفته و کارآمد توجه و پرداختن به توانمندیها، استعدادها، علایق و خصوصیات هر یک از افراد آن جامعه و آموزش آن افراد می باشد.

برخی از دانش آموزان نمی توانند مانند دیگران از برنامه های آموزش عادی بهره مند شوند. لذا، می بایست برای آنها آموزش ویژه در نظر گرفته شود. به همین دلیل، جهت استفاده مطلوب از توان ذهنی دانش آموزان و نیز برنامه ریزی آموزشی برای آنان، طبقه بندی با عناوین دانش آموزان تیزهوش، عادی، مرزی و عقب مانده ذهنی آموزش پذیر انجام شده است (احدی و کاکاوند، ۱۳۸۲).

در بین دانش آموزان عادی نیز گاهی مشاهده می شود که تعدادی از آنها همراهی و هماهنگی با دیگر همکلاسی های خود را ندارند و یا در بعضی از دروس پیشرفت مطلوب را کسب نمی کنند و در یک یا دو ماده

درسی عقب تر یا با اختلاف قابل توجهی در سطح پیشرفت درسی قرار دارند. این گروه از دانش آموزان دچار اختلال یادگیری یا ناتوانی ویژه یادگیری^۱ هستند (افروز، ۱۳۷۳).

کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری که طبق تخمین های جهانی حدود هشت درصد کودکان و غالباً پسران را تشکیل می دهند معمولاً پیش از ورود به مدرسه شناخته نمی شوند زیرا این ناتوانی ها در خواندن و هجی کردن، نوشتن و حساب کردن ظهور می یابد (وودفاین و دیگران، ۲۰۰۸). بیشتر دانش آموزان ناتوان در یادگیری (حداقل ۸۰ درصد) با مشکلاتی در حوزه خواندن مواجه هستند (کرک و چالفانت^۲، ۱۹۷۵).

در گذشته از انواع گوناگونی از برجسب ها برای توصیف نارساخوانی استفاده شده است از جمله می توان به عقب ماندگی خواندن، ناتوانی خواندن و کوری واژه مربوط به رشد اشاره داشت (ناعمی، ۱۳۷۷). نارساخوانی با نقص در توانایی برای شناخت واژه ها، خواندن کند و نادرست و فهم ضعیف، در غیاب هوش پایین یا نقص حسی قابل ملاحظه و اشتباهاتی نظیر حذف، افزودن یا دگرگون ساختن کلمات مشخص می شود. این کودکان در تفکیک بین حروف از نظر شکل و اندازه به خصوص در حروفی که فقط از نظر جهت یابی فضایی و طول خطوط با هم تفاوت دارند دچار اشکال هستند (امیدوار، ۱۳۸۴).

تخمین زده می شود که ۴ درصد کودکان دبستانی در آمریکا دارای نارساخوانی هستند. تعداد پسرهای مبتلا به نارساخوانی در خواندن ۳ تا ۴ برابر بیشتر از دخترهاست. میزان ابتلا پسرها احتمالاً به این دلیل بالاتر نشان داده می شود که، پسرها به دلیل مسائل رفتاری بیشتر، زودتر شناخته می شوند (لرنر^۳، ۱۹۹۷).

اورتون^۴ برای کودکان نارساخوان اصطلاح استرفوسمبولی^۵ به معنی نمادهای چرخش^۶ یافته را بکار برد (پامفری و ریزون^۷، ۱۹۹۷) و این فرضیه را بیان نمود که مشکلات خواندن نشانه مشکل در یکی از نیمکره های مخ در احراز مرکزیت و غلبه دو نیمکره در گفتار، زبان و کارکردهای حرکتی است (دلاکاتو، ترجمه زرین قدم، ۱۳۸۶). او دریافت که نسبت زیادی از کودکان دارای ناتوانی خاص یادگیری، دارای تلفظ چرخش یافته هستند برخی از آنها تصاویری آینه ای از کلمات و حروف دارند. همچنین این کودکان چپ برتری دارند و یا در سنی که معمولاً برتری نیمکره ای تثبیت شده، در آنها این برتری نیمکره ای دیده نمی شود.

^۱- Learning disability

^۲-Woodfine& Others

^۳- Kirk& chalfant

^۴-Lerner

^۵-Orton

^۶-Strephosymbolia

^۷-Twisted symbols

^۸-Pumfrey&Reason

در هر حال نارساخوانی از گذشته مورد توجه بوده و در مورد آن نیز اصطلاحها و همچنین علل گوناگونی ذکر شده است. ولی آنچه در این بین مهم می باشد این است که کودکان نارساخوان از یک طرف فاقد مهارتی هستند که شاید بتوان گفت امروزه از مهمترین توانایی های کسب اطلاعات و دانش از جهان خارج محسوب می شود و این امر ممکن است خود باعث بروز مشکلاتی در زمینه اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و غیره شود. از طرف دیگر این کودکان مشکلات هیجانی و رفتاری مختلفی نیز مانند پرخاشگری، اختلال و خرابکاری، اضطراب، انگیزش اندک و عزت نفس پایین دارند. این موارد می تواند برای کارکنان محیط های تربیتی، مؤسسه های مسئول نگهداری کودکان و خانواده های آنان چالش انگیز بوده و مشکلاتی را برای آنها ایجاد نماید (هربرت^۱، ۱۹۹۷).

با این توصیف ها به کارگیری روشهای درمانی و آموزشی مناسب جهت کمک به این گروه افراد جامعه ضرورتی انکار ناپذیر به نظر می رسد. محقق در راستای این امر سعی نمود روش های چند حسی فرنالد و اورتون را که در آموزش و بهبود خواندن دانش آموزان نارساخوان کاربرد وسیعی دارد بکار گیرد و نتایج آنها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار دهد.

۲-۱ شرح و بیان مسئله

بدون تردید "خواندن" مهمترین و پیچیده ترین فعالیت آموزشی کودکان در سالهای آغازین مدرسه است. خواندن، دریافت عقاید، تجربیات، احساسات، هیجانات و مفاهیم است. فعالیتی است که به فرد اجازه می دهد تا دانش وسیعی را در مورد جهان امروز به دست آورد. این کیفیات کارکردی، خواندن را محور همه سطوح یادگیری قرار می دهد به طوری که خواندن محور فعالیت های تحصیلی و به صورت ابزار موفقیت در سایر زمینه های درسی در می آید (حسن لو و پوشنه، ۱۳۸۵).

با این وجود برخی دانش آموزان، به رغم برخورداری از هوش طبیعی یا حتی بالاتر از طبیعی و دارا بودن حواس بینایی و شنوایی سالم، قادر به فراگیری مطالب آموزشی و مفاهیم ویژه با استفاده از روشهای متداول در مدارس نیستند. این قبیل دانش آموزان را ساموئل کرک، در سال ۱۹۶۳، بعنوان کودکان مبتلا به ناتوانیهای یادگیری مطرح کرد (عریضی و عابدی، ۱۳۸۳).

^۱-Herbert

دانش آموزانی که ناتوانیهای یادگیری دارند در یک یا چند ماده درسی پیشرفت متناسب با توان بالقوه‌ی خویش نشان نمی‌دهند. این ناتوانی گستره‌ی وسیعی از مهارتهای آموزشگاهی مانند خواندن، نوشتن و حساب کردن را شامل می‌شود. اما به نظر می‌رسد که ضعف مهارتهای خواندن مشکل اکثریت این دانش آموزان است که نمی‌توانند در برنامه‌های آموزشی مدرسه پیشرفتهایی داشته باشند (لرنر، ۱۹۹۷).

نارساخوانی یکی از رایج‌ترین ناتوانی‌های یادگیری است که تقریباً ۴ درصد دانش آموزان را مبتلا می‌کند. تنها در امریکا بیش از ۱۱ میلیون نفر نارسایی شدید در خواندن دارند. تعداد افراد مبتلا به نارساخوانی از کل افراد مبتلا به فلج مغزی، صرع و عقب ماندگی ذهنی بیشتر است (بانیک^۱، ۱۹۹۷). نشانگان خاص نارساخوانی شامل: شناخت نادرست کلمه، خواندن شفاهی کند و نادرست و درک ضعیف از متن نوشته شده، می‌باشد.

از آنجایی که نارساخوانی در مقایسه با سایر ناتوانی‌های یادگیری در صد بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد. همواره این سوال مطرح است که با چه روش و روش‌هایی می‌توان در جهت آموزش، اصلاح، بهبودی و کاهش میزان اشکالات خواندن این قبیل دانش آموزان اقدام نمود؟ و از آنجایی که نظریه‌های تبیینی نارساخوانی متعدّدند، رویکرد‌های مختلف درمانگری در مورد نارساخوانی وجود دارد. از جمله رویکردهای درمانی برای نارساخوانی رویکرد چندحسی می‌باشد که متضمن تصحیح مشکلات دانش آموز با استفاده از ترکیب ابعاد حسی دانش آموز در فرایند آموزش است. این رویکرد در تلاش است تا مهارت‌های خواندن را از طریق انگیزه‌های شنیداری، دیداری، حرکتی، و لامسه رشد دهد (هالاها و کافمن^۲، ۱۹۸۸، ترجمه ماهر، ۱۳۷۱).

یکی از این روش‌های چندحسی (که اورتون را به عنوان پیشگام آن می‌توان نام برد) بر این باور است که کودک نارساخوان به رابطه صوت و حروف پی نمی‌برد، بنابراین نمی‌توان حروف را تحلیل کرده و سپس آنها را به صورت هجا یا کلمه ترکیب کند. پس کوششهای درمانگر باید ایجاد چنین رابطه‌ای را امکان‌پذیر سازد و براساس حرکات رمزی اعضای صوتی بین علائم نوشته شده و اصوات تداعی برقرار سازد (مقدسی، ۱۳۸۵).

روش چندحسی اورتون از جمله شیوه‌های آموزشی است که برای اهداف مذکور بکار گرفته می‌شود. اورتون درباره احتمال بهبود مشکل نارساخوانی از طریق آموزش مجدد و بویژه با اقدام اولیه و فشرده خوش بین بود. او مدافع استفاده از رویکرد چندحسی در آموزش خواندن کودکان نارساخوان بود. وی گزارشهایی را ارائه

¹ - Banich

² -Halahan & Kafman

نموده است که نشان دهنده موفقیت این روش درمانی بوده اند (کرک و چالفانت^۱، ترجمه رونقی و همکاران، ۱۳۷۷).

یکی دیگر از روشهای چند حسی برای ترمیم نارسا خوانی، روش چند حسی فرنالده^۲ می باشد که در این روش تلاش می شود با استفاده هماهنگ و گسترده از روشهای دیداری، شنیداری، لامسه و جنبشی، کلمات جدیدی برای خواندن و هجی کردن ارائه شود. در این روش ابتدا کلمات به شیوه چند حسی آموزش داده می شود و سپس با کلمات یاد گرفته شده داستان و متن نوشته می شود. به این ترتیب به دامنه لغات دانش آموزان افزوده می شود (ایلوارد و بزاون^۳، ترجمه برادری، ۱۳۷۷).

با اینکه هر دو روش چند حسی فرنالده و اورتون به استفاده از حواس تکیه می کنند اما دو روش کاملاً متفاوت از هم هستند. در روش چند حسی فرنالده کودک کلمه را به صورت الگوی تام می آموزد و بارگیری کل آن حافظه خود را تقویت کرده و در باز آفرینی، کل آنرا به یاد می آورد و در مقابل روش چند حسی اورتون، فن یادگیری را برای آموزش حروف بکار می گیرد و ابتدا بر جزء آموزشی تکیه می کنند (فریار و رخشان، ۱۳۶۳).

جامعه ایران یک جامعه جوان است. بخش وسیعی از جامعه را دانش آموزان ابتدایی تشکیل می دهند. لذا داشتن جامعه ای سالم و تحصیل کرده مستلزم عملکرد بنیادین و سرمایه گذاری و توجه به این نونهالان است. برای رسیدن به این مهم، علاوه بر این که باید تسهیلات آموزشی و عملی مناسب را برای دانش آموزان نارساخوان بعنوان قشری از جامعه فراهم نمود بلکه در کنار آن توجه به بهداشت روانی دانش آموزان و شناسایی و کمک به آن گروه از دانش آموزانی که به نوعی از همسالان خود عقب هستند، ضرورتی اساسی دارد.

در این پژوهش سعی شده است تأثیر هر یک از روش های چند حسی اورتون و فرنالده بر دانش آموزان نارسا خوان مورد بررسی قرار گیرد تا بدین ترتیب مشخص شود کدام یک از این روشها از اثربخشی بیشتری برخوردار است.

¹- Kirk&Chalfant

²-Fernald

³-Eitvard & Browen

۳-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

دنیای امروز، یک دنیای ماشینی و با تکنولوژی بالاست و نیاز به افرادی دارد که در سطوح بالای آموزشی قرار دارند. توانایی خواندن یک ابزار کلیدی برای بازآموزی در حوزه شغلی و همین طور برای حفظ شغل است. مشکلات خواندن شاید بیش از سایر مشکلات اختصاصی یادگیری در حوزه های گوناگون مانع پیشرفت تحصیلی می گردد، زیرا، خواندن راه دستیابی به دامنه گسترده ای از اطلاعات است.

عدم موفقیت دانش آموز در یادگیری خواندن در سالهای اولیه مدرسه او را به طور مؤثری از دیگر مواد برنامه درسی باز می دارد. اگر دانش آموزی دارای نارساخوانی باشد احتمال زیادی وجود دارد که این امر مانع پیشرفت ریاضی و دیگر دروس او گردد. مشکلات خواندن همچنین برفراگیری اطلاعات خارج از برنامه درسی و در نتیجه بر درک مطلب نیز اثر معکوس می گذارد (داکرول و مکشین^۱، ۱۹۹۳، ترجمه احمدی و اسدی).

نلسون و ایزرائل^۲ (۱۹۹۴) اظهار می دارند که پیامد های ناتوانی در خواندن در حال حاضر بیش از هر دوره دیگری در تاریخ به چشم می آید چون امروزه خواندن در تمام زمینه های زندگی ضرورتی اساسی دارد. از طرف دیگر مشکلات یادگیری بعنوان عاملی در ایجاد اضطراب در کودکان، معلمان و والدین محسوب می شوند، در نتیجه سرمایه گذاری هیجانی بسیار زیادی در مورد علت و درمان آن صورت می گیرد (بانکرفت و کار^۳، ۱۹۹۵). به هر حال، ناتوانی خواندن مشکل تحصیلی عمده ای برای دانش آموزان ناتوان در یادگیری است. اکثر کودکان مبتلا به نارساخوانی، از نوشتن و خواندن پرهیز می کنند. اضطراب آنها در مقابل تقاضاهایی که زبان نوشتاری را ایجاد می کند، افزایش می یابد. اکثر کودکان مبتلا به اختلال در خواندن که آموزش های کمکی دریافت نمی کنند ممکن است از شکست مستمر و یأس ناشی از آن دچار احساس شرم و تحقیر شوند. با گذشت زمان این احساس ها عمیق تر می گردند. کودک بزرگ تر ممکن است خشم یا افسردگی پیدا کنند و احترام به نفس پایین نشان دهند (کاپلان و سادوک^۴، ۱۹۹۵).

ناتوانی خواندن پیامدهای بسیار جدی در مورد پیشرفت تحصیلی، استخدام و موفقیت در زندگی دارد (لرنر^۵، ۱۹۹۷). ضعف در خواندن معمولاً منجر به مشکلات دیگری می شود. این گونه کودکان فرصت های

^۱-Dacrol & Maeshin

^۲-Nelson & Israel

^۳-Bancroft & Carr

^۴-Caplan & Sadoc